

بررسی عوامل موثر بر شکل‌گیری کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه گیلان

علی ربیعی
دانشیار گروه مدیریت رسانه و
ارتباطات دانشگاه پیام‌نور تهران

هانیه دلباز
کارشناس ارشد مدیریت اجرایی
دانشگاه پیام‌نور تهران

مطالعه حاضر به منظور، بررسی و شناسایی عوامل موثر بر شکل‌گیری کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه گیلان و نیز میزان تاثیر آن‌ها سامان یافته است. این پژوهش از نوع کمی و کیفی و به شیوه علی-مقایسه‌ای و از نوع پیمایشی بوده و جامعه آماری آن شامل تعداد ۲۵۳ تن از دانشجویان دانشگاه گیلان در سه گروه هنر، مدیریت و فنی و مهندسی می‌باشد. ابزار اندازه‌گیری دو پرسشنامه (یک پرسشنامه استاندارد ویژگی‌های کارآفرینی و دومی محقق ساخته با پایایی قابل قبول برای سنجش شاخص‌های کارآفرینی) است که به طور همزمان از ابزار مصاحبه عمیق و کیفی با جمعی از استادان برای برآورد چگونگی تاثیر عوامل موثر بر شکل‌گیری کارآفرینی در دانشجویان این دانشگاه استفاده گردیده است. نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها به کمک آزمون‌های آماری مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شاخص‌های محتوای درسی و فضای دانشگاهی بر کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه گیلان موثر هستند. اما شاخص فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی بر کارآفرینی در دانشجویان این دانشگاه تاثیر ندارد. در انتها نیز راهکارهای لازم ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: کارآفرینی دانشگاهی، محتوای دروس، فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی، ویژگی‌های کارآفرینی

مقدمه و طرح مسئله

امروزه تحولات و دگرگونی‌های نظام اجتماعی، اقتصادی ناشی از پیشرفت شگرف علمی و تکنولوژیک است که به نوبه خود به دیدگاه‌ها، ضرورت‌ها و نیازهای جدید منجر شده است. برای پاسخ به این نیازها و همراهی با تحولات و دگرگونی‌های مزبور، دیگر نمی‌توان به فرایندهای موجود اکتفا کرد. از این رو تداوم حیات و بقای جوامع نیازمند ارائه راه‌ها و روش‌های جدید به منظور مقابله با مشکلات است. به همین دلیل نوآوری، ابداع، تولید محصولات جدید، فرایندها و روش‌های نو بیش از پیش ضرورت می‌یابد. (تاج آبادی و همکاران نژاد، ۱۳۸۷) [۱] در این راستا کارآفرینی، از عوامل اصلی ایجاد ارزش اقتصادی و ایزاری کارآمد و مؤثر برای کاهش تعداد بیکاران محسوب می‌شود و همچنین فرایند ایجاد کسب سود از ترکیبات جدید و منحصر به فرد است (شائمی برزکی و تیموری، ۱۳۸۵) [۲] کارآفرینی فرآیندی از ارائه اندیشه‌های نو، بهره‌گیری از امکانات و فرصت‌های موجود با تکیه بر دانش، پیشه و کار مربوط به آن و پذیرش خطر است که عوامل گوناگون را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد تا بهره‌برداری از منابع و فعال شدن آن‌ها در جهت بهره‌وری و تأمین منافع ملی میسر گردد و مؤسسات بهره‌ور و خلاق ایجاد شوند که موجب رشد و توسعه همه جانبه باشند. [1] (Anonymous, 2005) یکی از مهم‌ترین قدم‌ها در اکثر کشورهای پیشرفته و در حال توسعه برای توسعه کارآفرینی نظام آموزشی می‌باشد. در این راستا بیشتر دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته آموزش کارآفرینی را در برنامه‌های درسی خود گنجانده‌اند [2] (Magnus Klofsten, 2000). امروزه دانشگاه‌ها، به خصوص در کشورهای پیشرفته، علاوه بر نقش اولیه خود یعنی آموزش و ترویج علم و گسترش تحقیقات، فعالیت‌های دیگری را در برنامه کار خود و جزو هدف‌های دانشگاه قرار داده‌اند تا ارتباط نزدیکی را با جامعه پیرامون خود برقرار کنند. آنها حرکتی پرشتاب را به سوی دانشگاه کارآفرین آغاز کرده‌اند. دانشگاه مبتنی بر کارآفرینی به دنبال تجاری‌سازی نایب حاصل از تحقیقات کاربردی و تبدیل آن به کالا و ارزش افزوده (مانند پتنت‌ها، شرکت‌های جدید که به دانشجویان و هیات علمی تعلق دارد) است. مفهوم کارآفرینی دانشگاهی، بیانگر شیوه‌های متنوعی است که یک دانشگاه می‌تواند به سوی تجاری‌سازی دانشی که تولید کرده حرکت کند. (معصوم زاده و انصاری، ۱۳۸۸: ۵) [۳] یکی از اهداف مهم نظام آموزش عالی کشور پرورش نیروی

(پورتاشی، ۱۳۸۷:۳) [۵] واژه کارآفرینی از کلمه فرانسوی Entreprenre و واژه آلمانی Unternehmen گرفته شده است که هر دو به معنای "متعهد شدن" است. در ادبیات فارسی این واژه ابتدا به معنای کارفرما و سپس کارآفرین ترجمه شد. (احمدپور، ۱۳۸۳:۲۱) [۶] کارآفرینی یک مفهوم چند بعدی است. [۴] (Verheul et al. 2002) در یک سطح کلی، "کارآفرینی" می‌تواند به عنوان مجموعه تصمیمات فردی گرفته شده توسط کارآفرینان در مورد سرمایه‌گذاری کردن در کسب و کارها تفهیم شود. به طور پی در پی، یک دیدگاه ملاحظه کارآفرینان به عنوان افراد و سپس جمع کردن فعالیت‌هایشان است. مک کلند ۱۹۶۱ در کتاب اصلی اش، استدلال کرد که میزان تعالیم روان‌شناسی فردی سطح کارآفرینی در یک کشور را معین می‌کند. در اصل مک کلند انبوه تعالیم کارآفرینانه را به عنوان معین کننده نتایج کارآفرینانه و بر عکس، توسعه اقتصادی می‌بیند [۵] (Harbi, Anderson, 2010:437).

براساس تعریف لغت نامه و بستر، کارآفرین کسی است که متعهد می‌شود، مخاطره‌های زمینه‌یابی، سازماندهی، راه‌اندازی و مدیریت یک فعالیت اقتصادی را تقبل کند. این واژه در لغت به معنای واسطه و دلال می‌باشد، اما از بعد علمی، فرایندی است که منجر به ارزش‌آفرینی در جامعه می‌شود.

گاردنر (۲۰۰۲) کارآفرینی را فرایند راه‌اندازی یک سازمان جدید می‌نامد. هیسریچ و پیتز (۲۰۰۳) آن را فرایند ایجاد چیزی متفاوت و ارزشمند تعریف می‌کنند که طی آن فرد از طریق اختصاص دادن تلاش و زمان ضروری و قابل ملاحظه و پذیرفتن ریسک مالی، فیزیکی و اجتماعی، به سود مالی و نیز رضایت شخصی می‌رسد. همان‌گونه که هنری و دیگران (۲۰۰۳) بیان می‌کنند، متداولترین تعریف از کارآفرینی فرایند راه‌اندازی یک کسب و کار و مدیریت مداوم و رشد آن است. در مجموع باید اظهار

دانشگاهها مقرون به‌صرفه نیست. دانشگاهها باید به آموزش‌های جدید مجهز شوند و افرادی با روحیه و خلاق و کارآفرین را به جامعه اقتصادی و صنعت تحویل دهند. تا این افراد فارغ التحصیل بتوانند تولیدات جامعه را به حد بهینه برسانند و از این طریق جامعه به رشد و توسعه دست یابد. لازمه رسیدن به این هدف شناسایی مهمترین عوامل موثر در شکل‌گیری کارآفرینی در دانشجویان دانشگاهها و ارائه طرح‌های نوین و کارآمد به دانشگاهها و موسسات آموزش عالی برای زمینه سازی کارآفرینی در دانشجویان می‌باشد.

نیاز به یک نظام آموزش بسیار گسترده، انتظارات متغیر مبتنی به دستاوردهای آموزشی، انقلاب در روش‌های یادگیری و مواردی از این قبیل برای دانشگاهها و موسسات آموزشی توانایی بالقوه و پالاش‌های جدیدی را فراهم کرده است و نقش‌های سنتی دانشگاهها به عنوان ارائه دهنده دانش به پالاش کشیده شده است.

در این راستا تحقیق حاضر به منظور بررسی عوامل موثر بر شکل‌گیری کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه گیلان سامان یافته و به دنبال پاسخگویی به این سوال است که عوامل موثر بر شکل‌گیری کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه گیلان کدامند؟

آموزه‌های نظری و پیشینه تحقیق

امروزه، ادبیات وسیع و غنی در زمینه کارآفرینی وجود دارد. به خاطر ماهیت میان رشته‌ای آن، محققان مختلفی در زمینه‌های علمی گوناگون شامل مردم‌شناسی، تاریخ، مدیریت، جامعه شناسی و اقتصاد آن را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند

انسانی متخصص و مورد نیاز جامعه است. گرچه دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور دست به تلاش‌هایی در این زمینه زده اند، ولی متأسفانه ناهمخوانی درس‌های دانشگاهی با نیازهای جامعه باعث شده است که دانش‌آموختگان از تخصص و کارایی لازم برخوردار نباشند. از این رو در سال‌های گذشته با توجه به روند افزایش جمعیت و تقاضا برای دولت به دانشگاهها و موسسات آموزش عالی از یکسو و مشکلات اقتصادی دولت از سوی دیگر مساله کارآفرینی اهمیت ویژه ای یافته است. (حیدری، ۱۳۸۳: ۷۰) [۴] نقش دانشگاهها در بسیاری از جنبه‌ها، برای قرن‌ها بدون تغییر بوده است، ولی امروزه آموزش به عنوان یک مرحله اساسی در زندگی افراد نگر بسته می‌شود و نیاز به یک نظام آموزش بسیار گسترده، انتظارات متغیر مبتنی به دستاوردهای آموزشی، انقلاب در روش‌های یادگیری و مواردی از این قبیل برای دانشگاهها و موسسات آموزشی توانایی بالقوه و چالش‌های جدیدی را فراهم کرده است و نقش‌های سنتی دانشگاهها به عنوان ارائه‌دهندگان دانش به چالش کشیده شده است. [3] (Davies, 1998) مهم این است که اکنون در عرصه جهانی افراد خلاق و مبتکر به عنوان کارآفرینان منشأ تحولات بزرگی در زمینه صنعتی، تربیتی و خدماتی شده‌اند. همچنین، چرخه‌های توسعه اقتصادی همواره با توسعه کارآفرینی به حرکت در می‌آید؛ به عبارت بهتر، کارآفرینی موتور رشد و توسعه است. مطالعاتی که در زمینه ارتباط بین ویژگی‌های فردی و رشد و توسعه اقتصادی صورت گرفته است، نشان می‌دهند که پیشرفت به یک گروه و مذهب خاصی اختصاص ندارد و با رشد و توسعه برخی از ویژگی‌ها در افراد می‌توان رشد اقتصادی را در جوامع مختلف فراهم کرد. به نظر می‌رسد توجه به کارآفرینی و پرورش زمینه‌های تحقق آن در جوامع امروزی ضرورت است. از سویی پیشرفت علم و ظهور تکنولوژی‌های جدید دیگر استفاده از روش‌های سنتی در

داشت که برای واژه کارآفرینی دامنه وسیعی از تعریف‌های مختلف وجود دارد؛ همچنین، به نظر می‌رسد که ارائه یک تعریف واحد که بتوان از آن به عنوان تعریف صحیح نام برد، وجود ندارد؛ زیرا دامنه وسیعی از تعاریف از راه اندازی یک کسب و کار گرفته تا به کارگیری ویژگی‌ها و رفتارهای منحصر به فرد و ارزش آفرین و نوآوری مورد استفاده قرار گرفته است. از طرف دیگر، بررسی ادبیات موضوع، بیانگر آن است که در محیط‌ها و زمینه‌های مختلف اقتصادی اجتماعی، محققان براساس شرایط خاص محیط مورد مطالعه، تعریف مفهومی و عملیاتی ویژه ای را ارائه کرده‌اند. (هنری و دیگران، ۲۰۰۳) [۶]

آموزش کارآفرینی: امروزه آموزش کارآفرینی به یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین فعالیت‌های دانشگاه‌ها تبدیل شده است. دوره‌های آموزشی کارآفرینی نه تنها جای خود را در بستر دوسر دانشگاهی و رشته‌های مختلف باز نموده، بلکه در دوره‌های مختلف تحصیلی از ابتدایی تا دبیرستان نیز مورد توجه قرار گرفته است. [7] (Rae, 2003-2004) و [8] گرچه تنوع این داده‌ها، شرکت‌های موجود را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد و دوره‌های متعدد جهت رشد و بقا و کارآفرین نمودن سازمان‌های بزرگ طراحی شده، اما هدف اولیه از توسعه کارآفرینی همانا تربیت نمودن افراد متکی به نفس و آگاه به فرصت‌ها و به طور کلی افرادی است که تمایل بیشتری به راه‌اندازی کسب و کارهای مستقل دارند. [9] (Harding, 2005) مطالعات نشان می‌دهد که برنامه‌های پرورش کارآفرینان در کشورهای مختلف با سیاست‌گذاری و پشتیبانی اجرائی دولت‌ها به سرانجام رسیده است. از تجربیاتی که کشورهای مختلف در زمینه کارآفرینی داشته‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که بایستی پرورش کارآفرینان در کشور را به عنوان گام اولیه توسعه تلقی کرد که این مهم تنها با ایفای نقش فعالانه دولت امکان پذیر نیست بلکه تمام موسسات و مراکز خصوصی و دانشگاه‌های غیردولتی به خصوص دانشگاه آزاد و مراکز آموزش عالی غیردولتی، باید همراهی نمایند. (حسینی خواه، سلیمی، ۱۳۸۵) [۷] دانشجویان رشته‌های مختلف چه رشته‌های فنی، بهداشت، کشاورزی و چه رشته‌های جامعه‌ساز علوم انسانی نیاز به دوره‌ها و برنامه‌های آموزشی دارند که چارچوبی اصولی برای درک فرایند کارآفرینی به آنها ارائه دهد. برای کارآفرینی موفق، تنها پول و شانس کافی نیست، کارآفرینی فرایندی است که مستلزم خلاقیت و نوآوری، ریسک‌پذیری و برنامه‌ریزی است [۸] (سلیمی، عبدی، ۱۳۸۷: ۵۴). [10] (Leo (2005) بیان می‌کند که دانشجویان کارآفرین با روش‌های سنتی تفکر چالش می‌کنند، قادر به دیدن روابطی که دیگران نمی‌توانند ببینند هستند، اهمیت کارگروهی را ملاحظه می‌کنند، بر اهداف بزرگ تمرکز می‌کنند، از اشتباهات درس می‌گیرند، ترقی می‌کنند، و به طور موثر ارتباط برقرار می‌کنند. در تعاریف آموزش کارآفرینی در یک تعریف ساده، آموزش کارآفرینی فرایندی نظام مند، آگاهانه و هدف‌گرا می‌باشد که طی

آن افراد غیرکارآفرین ولی دارای توان بالقوه به صورتی خلاق تربیت می‌گردند. [11] (Terpstra & Olsen, 1993) در واقع، آموزش کارآفرینی فعالیتی است که از آن برای انتقال دانش و اطلاعات مورد نیاز جهت کارآفرینی استفاده می‌شود (Ginsberg & Hay, 1994) که در نتیجه، افزایش، بهبود و توسعه نگرش‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های افراد غیرکارآفرین را در پی خواهد داشت [13] (Mcpherson, 2003) آموزش کارآفرینی رابطه‌ی فوق‌العاده‌ای میان برنامه‌های آکادمیک در سراسر جهان فرض شده است، اما شناخت بسیار کمی در مورد آن از یک دیدگاه تحقیقی وجود دارد. دهه گذشته شاهد ظهور نیرومند پژوهش کارآفرینی سرتاسر جهان بوده است. [۱۴] (Kuratko, 2003) به نظر می‌رسد شناخت گسترده‌ای از این که کارآفرینی موتور توسعه اقتصادی و اجتماعی بیشتر ملل است وجود دارد. [15] (Brock and Evans, 1989; Acs, 1992; Carree and Thurik, 2003) کارآفرینی اهرمی ضروری برای غلبه بر عرصه رقابتی جدید ملاحظه شده است به موازات تکامل کارآفرینی ما می‌توانیم تمایل در رشد برنامه‌های آموزشی به تقویت و پرورش کارآفرینی را ملاحظه کنیم. [16] (Solomon et al., 2002)

آموزش کارآفرینی در سطح آموزش عالی: آموزش کارآفرینی رابطه‌ی فوق‌العاده‌ای میان برنامه‌های آکادمیک در سراسر جهان فرض شده است، اما شناخت بسیار کمی در مورد آن از یک دیدگاه تحقیقی وجود دارد. دهه گذشته شاهد ظهور نیرومند پژوهش کارآفرینی سرتاسر جهان بوده است. (Kuratko, 2003) به نظر می‌رسد شناخت گسترده‌ای از اینکه کارآفرینی موتور توسعه اقتصادی و اجتماعی بیشتر ملل است وجود دارد. [17] (Carree and Thurik, 2003) امروزه کارآفرینی اهرمی ضروری برای غلبه بر عرصه رقابتی جدید ملاحظه شده است. [18] (Hitt and Reed, 2000) به موازات تکامل کارآفرینی ما می‌توانیم تمایل در رشد برنامه‌های آموزشی به تقویت و پرورش کارآفرینی را ملاحظه کنیم.

[19] (Alberti, Sciascia, Poli, 2004, 3) رویکرد اکثر کشورهای جهان در دهه‌های اخیر به موضوع کارآفرینی و توسعه آن، موجب شده موجی از سیاست‌های توسعه کارآفرینی در دنیا ایجاد شود. کشورهای مختلف به راه حلی در سه دهه گذشته برای فایز آمدن بر مشکلات مختلف اقتصادی و اجتماعی روی آورده‌اند که در ذیل بدان اشاره می‌شود:

- توسعه فرهنگ کارآفرینی،
- انجام حمایت‌های لازم از کارآفرینان،
- ارائه آموزش‌های مورد نیاز به کارآفرینان،
- انجام تحقیقات و پژوهش‌های لازم در این زمینه (مقیمی و همکاران، ۱۳۸۳). [۹]

امروزه به علت افزایش گرایش افراد به فعالیت‌های کارآفرینانه، آموزش کارآفرینی به موضوع مهمی تبدیل شده است. پژوهش‌ها نشان

دانش‌آموختگان کارآفرین ۲۷ درصد بیشتر از متوسط درآمد سالیانه دانش‌آموختگان غیر کارآفرین است. (کوریلسکی، ۲۰۰۴) آموزش کارآفرینی حمایت از خلاقیت و نوآوری را افزایش می‌دهد؛ دانش‌آموختگان کارآفرین استعداد و شایستگی بیشتری در توسعه محصولات جدید نسبت به دانش‌آموختگان غیر کارآفرین دارند؛ این افراد زمان بیشتری را در تحقیق و توسعه فعالیت‌های مرتبط با کار صرف می‌کنند. (پورتاشی، ۵۳:۱۳۸۷)

چالش‌های آموزش کارآفرینی

رشد آموزش کارآفرینی، و تحقیقات مربوط به آن با احتساب به تاثیر آموزش، چالش‌های قابل توجهی را هم به موسسات اجرا کننده آموزش کارآفرینی و هم برای سازمان‌های حمایت کننده بوجود می‌آورد. [22] (Raposo, do paco, 2011:143-144) برخی از این چالش‌ها توسط بلاک^۱ و استامپ ارائه شده است.

• چالش در ایجاد متدلوژی‌های تحقیق برای اندازه گیری اثربخشی کارآفرینی؛

امروزه برای آموزش کارآفرینی علاوه بر روش‌های آموزشی متنوع، از ابزارهای آموزشی مختلفی نیز استفاده می‌شود. در واقع از تمام پیشرفت‌های فناوری، مواد و ابزارهای آموزشی استفاده می‌گردد. این موضوعی است که در نظام آموزش عالی شایان توجه خاص و ویژه است.

• چالش در محتوا و شیوه‌های آموزش کارآفرینی؛

کارآفرینی موضوعی نیست که در قالب یک کتاب بتوان به تمام جنبه‌های آن پرداخت. موضوع کارآفرینی دارای جنبه‌های مختلف است و اگر قرار است در نظام آموزش عالی به موضوع کارآفرینی پرداخته شود باید در محتوای کتاب تغییرات اساسی داده شود و بحث کارآفرینی به طور تدریجی و در قالب چند کتاب و در طی چند سال آموزش داده شود تا بتوان اطمینان حاصل کرد که آموزش‌های داده شده به افزایش دانش و نگرش دانش‌آموزان کمک نموده است.

• چالش در کیفیت مدرسان کارآفرینی؛

با توجه به این‌که موضوع کارآفرینی یک بحث بسیار تخصصی و میان رشته ای است، طبیعتاً باید مدرسانی به آموزش این درس بپردازند که هم دارای دانش نظری کارآفرینی باشند و هم با جنبه‌های عملی آن در شرکتها و سازمان‌ها آشنا باشند. هم اکنون، یکی از چالش‌های بسیار اساسی در نظام آموزش عالی در اختیار نداشتن مدرسان خبره و ورزیده کارآفرینی است.

می‌دهد که مهم ترین عامل مؤثر در حرکت کارآفرینی از قوه به فعل، بروز روحیه کارآفرینی در افراد از طریق آموزش می‌باشد؛ بنابراین، همان طور که گفته شد، عامل انسانی، مهم ترین جنبه کارآفرینی بوده و آموزش عامل انسانی در روند پیشرفت کارآفرینی تأثیر بسزایی خواهد داشت. یکی از ابعاد گسترش کارآفرینی متوجه آموزش کارآفرینی در تمامی سطوح نظام آموزشی به ویژه آموزش عالی بوده است. امروزه آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تبدیل به یک پدیده جهانی شده است که در اکثر کشورها اعم از توسعه یافته و در حال توسعه رشد یافته است. وستد^۱ و دیگران (۲۰۰۵) [۲۰] به اهمیت و گسترش این موضوع به شکل زیر اشاره می‌کنند: کشورهای مختلف با هدف ترغیب و تشویق نوگرایی، رقابت، ارزش آفرینی، اشتغال زایی و افزایش سودآوری اقتصادی در سطح محلی و ملی، برنامه‌های متعددی را جهت توسعه کارآفرینی طراحی و اجرا می‌کنند تا از طریق آنها تمایل و گرایش افراد به سمت و سوی خوداشتغالی و راه اندازی یک کسب و کار جدید و مستقل بیشتر شود. با توجه به اعتقاد بین المللی به نقش کارآفرینی به عنوان یک راهبرد اقتصادی در جهت پاسخ به نیازهای همواره در حال تغییر بازار کار و کاهش نرخ بیکاری از طریق ایجاد شغل، محققان، تئوری پردازان، مدرسان، برنامه ریزان آموزشی متعددی اعتقاد دارند که بایستی آموزش کارآفرینی نقش پررنگی در برنامه‌های درسی سطوح مختلف نظام آموزشی داشته باشد (پورتاشی، ۵۳:۱۳۸۷)

اثرات آموزش کارآفرینی

آموزش کارآفرینی می‌تواند اثرات بسیار زیادی را در جامعه به دنبال داشته باشد. این اثرات را می‌توان در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مورد بررسی قرار داد. از ابعاد بسیار مهم کارآفرینی، ایجاد شغل و استخدام افراد در این گونه شرکت‌های نوپا می‌باشد که خود می‌تواند اثرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خاصی را به دنبال داشته باشد. این مسئله به ویژه از لحاظ سیاسی و اجتماعی و به خاطر کاهش تنش‌های ناشی از بیکاری و همچنین، جنبه‌های روانی آن بر افراد بیکار، می‌تواند یک مزیت غیر قابل انکار برای آموزش کارآفرینی محسوب شود (حسینی و خسروی پور، ۱۳۸۵). به علت گستردگی بحث، فقط اثرات اقتصادی را با تأکید بیشتری مد نظر قرار می‌دهیم:

- آموزش کارآفرینی مشارکت بخش خصوصی را جلب می‌کند؛
- آموزش کارآفرینی استقلال مالی افراد کارآفرین را سبب می‌شود
- آموزش کارآفرینی باعث افزایش انتقال فناوری از دانشگاه به بخش خصوصی خواهد شد؛ (رینولد و دیگران، ۲۰۰۱) [۲۱]
- آموزش کارآفرینی، توانایی دانش‌آموختگان را در کسب ثروت و افزایش تمکن مالی بیشتر می‌کند؛ حدوداً درآمد سالیانه

1. Block
2. Stumpf

• چالش در پذیرش آموزش کارآفرینی در دانشکده‌ها نسبت به کسب و کار؛

• چالش در ایجاد یک پیکره‌ی عمومی (مشترک) در زمینه‌های دانشی مختلف؛

• چالش در اثربخشی روش‌های آموزشی

امروزه برای تعیین اثربخشی روش‌های آموزش کارآفرینی از معیارها و شاخص‌های مختلفی نظیر اهداف، محتوا، ساختار و علم و هنر معلمی استفاده می‌شود. علیرغم وجود چنین معیارهایی جهت سنجش اثربخشی روش‌های آموزش کارآفرینی، به طور کلی در کشور و به طور اخص در نظام آموزش عالی خیلی به این موضوع توجه نمی‌شود.

* چالش در حمایت‌های مادی و معنوی دانش جویان کارآفرین

در نظام آموزش عالی باید شرایطی حاکم گردد که از دانش جویانی که دارای روحیه و توان کارآفرینی هستند حمایت‌های مادی و معنوی شود تا آنها تشویق شوند و در نتیجه پس از فارغ التحصیلی، به جای جویندگان کار، خودشان بتوانند کسب و کار جدیدی را ایجاد نمایند.

* چالش در نیازهای یادگیری

« گاروان» و «اوسینید» نیز بر این باورند که سه محور اصلی در فعالیت آموزشی کارآفرینان عبارتند از: دانش، مهارت‌ها و نگرش‌ها. در بیشتر آموزش‌های رسمی کارآفرینی به طور همه جانبه و تحلیلی به موضوع «دانش» پرداخته می‌شود. ولی چالش اصلی این است که «مهارت‌ها» به صورت کلی و ناکافی مورد توجه قرار می‌گیرد و موضوع «نگرش‌ها» نیز اغلب نادیده گرفته می‌شود. (مقیم، احمدپور داریانی، ۱۳۸۷: ۲۲۰) [۱۰]

کارآفرینی در ایران

آموزش و پرورش کارآفرینان در نظام آموزش عالی کشور ما با بیش از ۲۰ سال تاخیر نسبت به کشورهای توسعه یافته مورد توجه قرار گرفت. در ایران در این چند ساله اخیر به موضوع کارآفرینی بیشتر توجه شده است. قبل از آن به جز چند مورد خاص، تقریباً سابقه‌ای برای فعالیت در این زمینه وجود نداشته است. شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور در سال‌های اخیر موجب گردید که در برنامه سوم توسعه، به کارآفرینی، خصوصاً در ابعاد تحقیق و آموزش کارآفرینان توجه شود و اعتباراتی نیز در این راستا پیش‌بینی گردد. براساس برنامه سوم توسعه، طرحی تحت عنوان «طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور» که به اختصار «کاراد» نام گرفته است، تدوین و اجرای آن با نظر سازمان مدیریت و برنامه ریزی

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در چند دانشگاه کشور شروع و مسئولیت پیگیری، اجرا و امور ستادی آن از سوی وزارت علوم در اواخر سال ۱۳۷۹ به سازمان سنجش آموزش کشور واگذار گردید.

(بهیان، ۱۳۸۶، ص ۳۹۸) [۱۱]

با توجه به مطالعات و بررسی‌هایی که انجام گرفت، مشخص شد که سازمان دهی توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور باید در دو محور انجام شود:

(الف) سازمان دهی در سطح ستادی. این امر باید در سطح وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سازمان مسئول اجرای ماموریت، یعنی سازمان سنجش آموزش کشور صورت گیرد.

(ب) سازماندهی در سطح دانشگاه‌ها. برای پیشبرد اهداف طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها، ساختاری ویژه برای آن در نظر گرفته شد، به نحوی که حضور بالاترین مقام وزارت و دانشگاه‌ها در راس ساختار موردنظر، دستیابی به اهداف را تسریع و تسهیل کند. این ساختار در دو بخش سیاست گذاری و برنامه ریزی مرکزی و سازماندهی کارآفرینی در دانشگاه تقسیم بندی شده است که در زیر به ترتیب هریک از این دو بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. سیاست گذاری و برنامه ریزی مرکزی

این بخش از ساختار طرح کاراد شامل دو نهاد شورای مرکزی و دبیرخانه طرح کاراد است. از وظایف و اختیارات شورای مرکزی در دانشگاه‌ها تعیین سیاست‌ها و راهبردهای طرح کاراد، نظارت و ارزیابی اجرای طرح کاراد در دانشگاه‌ها، تصویب برنامه‌های کلان ارائه شده در مورد طرح کاراد، بررسی راهکارهای توسعه طرح کاراد در سطح دانشگاه‌های کشور، بررسی موانع و محدودیت‌های قانونی، سیاسی، فرهنگی، اداری و مالی توسعه کارآفرینی و ارائه پیشنهادها مناسب به مراجع ذی ربط و تصویب بودجه نهایی طرح کاراد است.

دبیرخانه طرح کاراد شامل بخش‌های علمی و اجرایی بود که همه امور ترویجی، پژوهشی، آموزشی و پیگیری مصوبات شورای مرکزی طرح کاراد که به شرح زیر است برعهده داشت:

- ۱) پیگیری مصوبات شورای مرکزی
- ۲) ایجاد هماهنگی بین کمیته‌های کارآفرینی دانشگاه‌ها در زمینه فعالیت‌های ترویجی، پژوهشی و آموزشی و تالیف و ترجمه در سطح دانشگاه‌های کشور
- ۳) هماهنگی با دستگاه‌های دولتی و بخش خصوصی در زمینه طرح کاراد
- ۴) نظارت و ارزشیابی مستمر بر وظایف و عملکرد کمیته‌های کارآفرینی دانشگاه‌ها
- ۵) برگزاری میزگردها و سخنرانی‌های علمی-تخصصی، سمینارها و همایش سالانه کارآفرینی

۶) انجام مطالعات و برنامه ریزی برای اجرای طرح کاراد در دانشگاهها
 ۷) انجام مطالعات و طراحی ساختار سازمانی و روشهای نظارت و ارزیابی کمیته‌های کارآفرینی در سطح دانشگاهها
 ۸) انجام مطالعات در زمینه موانع و محدودیت‌های حقوقی، قانونی، فرهنگی، سیاسی، اداری و مالی توسعه کارآفرینی و ارائه پیشنهاد به شورای مرکزی
 ۹) بررسی علمی طرح‌ها و برنامه‌های کلان ترویجی، آموزشی و پژوهشی طرح کاراد
 ۱۰) بررسی و تعیین بودجه سالانه طرح کاراد و عرضه آن به شورای مرکزی برای تصویب نهایی
 ۱۱) برنامه‌ریزی و پیشنهاد امکانات لازم برای کارآفرینان و عرضه آن به شورای مرکزی برای تصویب
 ۱۲) گردآوری گزارش‌ها، اطلاعات و پیشنهادهای رسیده و اطلاع‌رسانی فعالیت‌های انجام گرفته و روند اجرای طرح کاراد از طرق مختلف.

۲. سازماندهی کارآفرینی در دانشگاه

هدف از ارائه طرح کاراد توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌هاست. به منظور اجرای برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و اشاعه فرهنگ کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور، وجود ساختاری قوی ضروری بود. لذا تشکیل کمیته کارآفرینی و مرکز کارآفرینی با ساختار و وظایف زیر در دانشگاه‌ها در آیین نامه طرح پیش بینی شد.
 از جمله وظایف و اختیارات کمیته کارآفرینی دانشگاه، کمک به سازماندهی مرکز کارآفرینی، نظارت بر فعالیت‌های مرکز کارآفرینی دانشگاه و هدایت و حمایت آنها، تصویب، نظارت و پیگیری طرح‌های پژوهشی، آموزشی و ترویجی آموزش و پرورش کارآفرینان، همکاری و برنامه ریزی برای تربیت مربیان و استادان آموزش‌های کارآفرینی، کمک به ایجاد انکوباتورهای کوچک در دانشگاه و... می باشد.

مرکز کارآفرینی واحد اجرایی طرح کاراد در دانشگاه است که تحت نظر رییس دانشگاه فعالیت می‌کند و وظایفش شامل ۱) تهیه برنامه‌های ترویجی، آموزشی و پژوهشی طرح کاراد با همکاری و همفکری اعضای هیئت علمی و صاحب نظران آشنا با موضوع کارآفرینی و عرضه آن به کمیته کارآفرینی برای تصویب، ۲) برگزاری کلاس‌ها، سمینارها و کارگاه‌های آموزشی و تخصصی ۳) شناسایی و معرفی کارآفرینان برگزیده سال دانشگاه به کمیته کارآفرینی و... است. (مقیمی، ۱۳۸۷، ص ۷۶۵-۷۶۲)

پژوهش‌های زیادی پیرامون کارآفرینی و آموزش‌های کارآفرینی در خارج و داخل کشور صورت گرفته، ولی با توجه به مطالعات گسترده و اکتشافی و مراجعه به اسناد و مدارک، پژوهشی که صریحاً به بررسی عوامل موثر بر شکل‌گیری کارآفرینی در دانشجویان بپردازد، یافت نگردید و این موضوع خود اهمیت این تحقیق را واضح تر می‌نماید. با این وجود از مطالعات صورت گرفته می‌توان موارد زیر را برشمرد: عزیزی (۱۳۸۲) در بررسی و مقایسه زمینه‌های

بروز و پرورش کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، پرسش آیا زمینه‌های بروز و پرورش کارآفرینی در دانشجویان دانشکده‌های مختلف دانشگاه شهید بهشتی متفاوت و معنی‌دار است؟ را مطرح کرد. نتایج این پژوهش نشان داد که بین متغیرهایی چون میزان تحمل، اعتماد بنفس، کنترل درونی، نیاز به توفیق طلبی، مخاطره‌پذیری، خلاقیت و نوآوری، استقلال طلبی با کارآفرینی رابطه معناداری وجود دارد، علاوه بر آن نتایج این پژوهش نشان داد که بین برنامه‌های تحصیلی و آموزشی ارائه شده از سوی دانشگاه شهید بهشتی و میزان کارآفرینی دانشجویان، از نظر آنان رابطه معنادار وجود ندارد. هزارجریبی (۱۳۸۳) در تحقیقی با عنوان بررسی میزان کارآفرینی دانش‌آموختگان علوم انسانی در عرصه نشریات فرهنگی و اجتماعی شهر تهران؛ به بررسی شناخت و ویژگی‌های کارآفرینی دانش‌آموختگان علوم انسانی و همچنین نقش دوره‌های آموزش دانشگاهی در ایجاد کارآفرینی پرداخت. این پژوهش نشان می‌دهد که بین کارآفرینی و دوره‌های آموزش انگیزه پیشرفت، ریسک‌پذیری و خلاقیت رابطه معناداری وجود دارد.

بدری (۱۳۸۴) در پژوهش خود تحت عنوان بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان نشان داد که قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان در زمینه استقلال طلبی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت بالاتر از حد میانگین بوده ولی نمرات ریسک‌پذیری از متوسط نمره معیار پایین‌تر است. همچنین، آموزش‌های دانشگاهی در پرورش ویژگی‌های کارآفرینی در دانشجویان موثر نبوده است. احمدزاده (۱۳۸۴) در پژوهش خود به پاسخگویی به این سوال پرداخت که برنامه درسی دوره کارشناسی رشته علوم تربیتی (گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی) چه میزان به پرورش مهارت‌های کارآفرینی توجه دارد؟ وی نتیجه گرفت که عناصر برنامه‌ریزی درسی از قبیل اهداف، محتوا، روش‌های ارزشیابی، منابع و ابزار یادگیری برنامه درسی رشته علوم تربیتی به پرورش مهارت‌های کارآفرینی (فنی، شخصی و مدیریتی) توجه ندارد. همچنین دروس تخصصی رشته علوم تربیتی به پرورش مهارت‌های کارآفرینی توجه ندارد. ملکی (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان کارآفرینی در دانشگاه‌ها به مقایسه ارائه درس کارآفرینی در ایران و جهان پرداخته و عنوان می‌کند که سرفصل‌های درسی مشترکی در اکثر دانشگاه‌های ایران و خارج از کشور دارد که با مطالعه بیشتر در این زمینه می‌تواند مبنای تهیه سرفصل‌های درسی کارآفرینی و محتوای آن در دانشگاه‌های کشور باشد نیز رستمی (۱۳۸۶) در پژوهشی تحت عنوان زمینه‌یابی آموزش دانشگاهی در پرورش روحیه کارآفرینی دانشجویان دانشگاه مازندران به بررسی عملکرد برنامه‌های آموزشی دانشگاه در پرورش روحیه کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان پرداخت. نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها بیانگر آن است که برنامه‌های آموزشی دانشگاه زمینه پرورش کارآفرینی را برای دانشجویان فراهم نکرده

میزان تاثیر ۳ شاخص محتوای دروس، فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی و فضای دانشگاه بر کارآفرینی دانشجویان می باشد. آلفای کرونباخ ۳ متغیر مستقل محتوای دروس، فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی و فضای دانشگاه به ترتیب ۰.۸۱۳، ۰.۸۲۳، ۰.۹۱۱ می باشد بنابراین گویه‌ها و انسجام آنها برای ارزیابی متغیر مستقل مناسب می باشد جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق شامل همه دانشجویان دانشگاه گیلان در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ می باشد. نمونه تحقیق حاضر از نوع نمونه گیری غیراحتمالی و تصادفی می باشد. از بین نمونه ۲۸۰ نفره، اطلاعات مربوط به ۲۵۳ نفر آنها بازگشت داده شد. همچنین مصاحبه ای از تعدادی از اساتید این دانشگاه در قالب سوالات کیفی به عمل آمد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی:

همان‌طور که در جدول شماره ۱ نشان داده شده است، از بین افرادی که به پاسخگویی کامل سوالات جمعیت شناختی این پرسشنامه‌ها پرداختند ۱۰۹ نفر زن و ۱۴۳ نفر مرد بودند. در ترم اول کارشناسی ۶۱ نفر و در ترم آخر کارشناسی ۱۰۳ نفر که در کل ۱۶۴ نفر شدند و در مقطع کارشناسی ارشد ۷۰ نفر و در مقطع دکترا ۱۹ نفر پاسخگوی پرسشنامه‌ها بودند و همچنین در گروه درسی فنی ۱۵۹ نفر و گروه درسی مدیریت ۷۳ نفر و در گروه درسی هنر و معماری ۲۱ نفر پاسخگو بودند.

انجام دادن فعالیت‌های کارآفرینانه عنوان کرده اند. راشید [۲۴] (۲۰۰۰) نیز مطالعه‌ای در زمینه نقش آموزش بر افزایش نگرش‌ها و خصوصیات کارآفرینانه انجام داد و نتایج حاکی از آن بود که افراد گروه آزمایش به نحو قابل ملاحظه ای نمرات بیشتری در انگیزه پیشرفت، مرکز کنترل درونی، عزت نفس و خلاقیت را به خود اختصاص داده اند. ابی سانیا [۲۵] (۲۰۱۰) در مطالعه ای با عنوان آموزش کارآفرینی و نگرش دانشجویان به خوداشتغالی در دانشگاه نیجریه به این نتیجه رسید که برای توسعه کارآفرینی باید به عواملی مثل نگرش‌های فردی، استفاده از فرصت‌های کارآفرینی و بهره برداری از آن و در نهایت اجرای آن توجه کرد نتایج تحقیق وی نشان داد افرادی که وارد حیطه کسب و کار نشده اند به دلایلی مانند: عدم تحصیلات آموزشی، کمبود سرمایه، و سطح خطر بالا در کسب و کار بوده است و به منظور تسهیل در اجرای این توصیه‌ها و توسعه کارآفرینی، نیاز به ایجاد برخی از مراکز ملی برای کارآفرینی و آموزش آن در سطح دانشگاه‌ها و موسسات از ضروریات می باشد.

روش پژوهش

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی بوده و از نظر اجرا، تحلیلی-پیمایشی می باشد و به طور کیفی و کمی انجام گرفته و از شاخه مطالعات میدانی است. ابزار جمع آوری داده‌ها در این پژوهش یک پرسش نامه محقق ساخته ۱۹ سوالی به شیوه لیکرت ۵ درجه‌ای می باشد که برای سنجش

است. نیز نادری (۱۳۸۸) در پژوهش نقش آموزش رسمی و برنامه‌های کمک درسی رشته تربیت بدنی در مقطع کارشناسی ارشد در تامین مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان از نظر دانش آموختگان به بررسی نقش محتوای درسی و فرادرس رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی مقطع کارشناسی ارشد در راستای تامین مهارت کارآفرینی دانش آموختگان در نظر دانشجویان سال آخر پرداخت. نتایج تحقیق نشان داد که دانشجویان محتوای دروس تخصصی تربیت بدنی را در ارتقای زمینه‌های تئوریک پرورش مهارت کارآفرینی مناسب تشخیص داده اند. ولی از پرورش زمینه‌های عملی آن چندان راضی نبوده اند و توجه عناصر مختلف برنامه‌های درسی را در تامین مهارت‌های فنی، شخصی و مدیریتی ضعیف می دانند. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که دانشجویان نقش دوره‌های مربیگری و داوری، کارگاه‌های آموزشی، مشارکت در برگزاری رویدادهای ورزشی و پروژه‌های کارورزی را در آشنایی دانش آموختگان با بازار کار و کارآفرینی موثر می دانند.

در خارج از کشور نیز در تحقیقی که پوستیگو [۲۳] در سال ۲۰۰۲ تحت عنوان آموزش کارآفرینی در آرژانتین به بررسی و ارزیابی وضعیت موجود آموزش کارآفرینی در این کشور پرداخت. نتایج مطالعات وی مشخص نمود از نظر دانشجویان مهم ترین دوره‌ها برای آموزش کارآفرینی دوره‌های آموزش خلاقیت و نوآوری است. دانشجویان خلاقیت و نوآوری را موثرترین ویژگی در

جدول شماره ۱: تعداد پاسخگویان

جنسیت	گروه تحصیلی		مقطع تحصیلی					تعداد
	مدیریت	هنر	دکترا	کارشناسی ارشد	کارشناسی			
					ترم اول	ترم آخر		
مرد	۷۳	۲۱	۱۹	۷۰	۱۰۳	۶۱	تعداد پاسخگویان	
زن	۱۰۹	۱۴۳	۱۵۹	۷۰	۱۰۳	۶۱	تعداد کل	
			۲۵۳					

بر اساس جدول ۲، از بین افرادی که مهارت معینی داشتند ۱۰۶ نفر آنان مرد و ۴۹ نفر آنها زن بوده اند و از طرفی در گروه زنان ۶۰ نفر دارای مهارت یا تخصص معینی نبوده اند و در گروه مردان ۳۷ نفر دارای مهارت معینی نبودند. همچنین از بین افرادی که تمایل به راه اندازی کسب و کار داشتند ۹۹ نفر آنها مرد و ۶۱ نفر آنها زن بوده اند و از طرفی در گروه زنان و در گروه مردان اکثریت افراد تمایل به راه اندازی کسب و کار داشته اند. (یعنی ۴۸ زن و ۴۴ مرد تمایل به راه اندازی کسب و کار نداشتند.)

جدول شماره ۲. تعداد پاسخگو به سوال افراد دارای مهارت و مایل به ایجاد کسب و کار

مرد		زن		
		خیر	بلی	
خیر	بلی	خیر	بلی	افراد دارای مهارت معین
۳۷	۱۰۶	۶۰	۴۹	
خیر	بلی	خیر	بلی	افراد مایل به راه اندازی کسب و کار
۴۴	۹۹	۴۸	۶۱	

یافته‌های استنباطی:

یافته اول: آیا بین محتوای دروس و شاخص کار آفرینی رابطه وجود دارد؟

جدول شماره ۳. ضریب همبستگی پیرسون برای شاخص محتوای دروس

متغیر	محتوای دروس		
	پیرسون		
آزمون	ضریب همبستگی	معناداری	تعداد
	وجود رابطه		
کارآفرینی	۰.۰۰	۰.۰۰	۲۵۳
	دارد		

با توجه به این مطلب که هدف بررسی رابطه بین ۲ متغیر کار آفرینی و محتوای دروس می باشد، با محاسبه ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن و مقایسه سطح معناداری با سطح خطای ۰.۰۵ نتیجه می گیریم بین این دو عامل رابطه معنادار وجود دارد زیرا سطح معناداری آزمون برابر ۰.۰۰ شده و این مقدار از خطای ۰.۰۵ کوچکتر بوده است به عبارتی محتوای دروس و شاخص کار آفرینی با هم مرتبط می باشند. **یافته سوم:** آیا بین فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی و شاخص کار آفرینی رابطه وجود دارد؟

جدول شماره ۴. ضریب همبستگی پیرسون برای شاخص فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی

متغیر	فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی		
	پیرسون		
آزمون	ضریب همبستگی	معناداری	تعداد
	وجود رابطه		
کارآفرینی	۰.۰۷۱	۰.۰۵۸	۲۵۳
	ندارد		

با توجه به این مطلب که هدف بررسی رابطه بین ۲ متغیر کار آفرینی و فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی می باشد، با محاسبه ضریب همبستگی پیرسون، و مقایسه سطح معناداری با سطح خطای ۰.۰۵ نتیجه می گیریم بین این دو عامل رابطه معنادار وجود ندارد زیرا سطح معناداری آزمون پیرسون برابر ۰.۰۷۱ شده و سطح معناداری آزمون اسپیرمن برابر ۰.۰۵۸ شده است و این مقادیر از خطای ۰.۰۵ بزرگتر بوده است به عبارتی فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی و شاخص کار آفرینی با هم مرتبط نمی باشند. و هیچ گونه تاثیر مستقیمی بر هم ندارند

یافته چهارم: آیا بین فضای دانشگاه و شاخص کار آفرینی رابطه وجود دارد؟

جدول شماره ۵. ضریب همبستگی پیرسون برای شاخص فضای دانشگاه

متغیر	فضای دانشگاه		
	پیرسون		
آزمون	تعداد	معناداری	ضریب همبستگی
کارآفرینی	۲۵۳	۰.۰۰	۰.۰۰

با توجه به این مطلب که هدف بررسی رابطه بین ۲ متغیر کار آفرینی و فضای دانشگاه می‌باشد، با محاسبه ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن و مقایسه سطح معناداری با سطح خطای ۰.۰۵ نتیجه می‌گیریم بین این دو عامل رابطه معنادار وجود دارد زیرا سطح معناداری آزمون برابر ۰.۰۰ شده و این مقدار از خطای ۰.۰۵ کوچکتر بوده است به عبارتی فضای دانشگاه و شاخص کار آفرینی از هم تاثیر می‌پذیرند.

بحث و نتیجه گیری

براساس تحقیق رستمی (۱۳۸۶) تحت عنوان زمینه یابی آموزش دانشگاهی در پرورش روحیه کارآفرینی دانشجویان دانشگاه مازندران هیچکدام از دانشکده‌های دانشگاه مازندران عملکرد بهتر یا بدتری نسبت به سایر دانشکده‌ها در پرورش روحیه ی کارآفرینی نداشته اند و میزان برخورداری دانشجویان از روحیه کارآفرینی در ۱۴ دانشکده مورد مطالعه تفاوت معناداری باهم نداشته است. که این نتایج با نتایج پژوهش ما مبنی بر اینکه شاخص کارآفرینی در گروه مدیریت و فنی و هنر متفاوت می باشد مغایرت دارد.

همچنین در فاز مصاحبه این تحقیق نتایج حاصل از اخذ نظرات اساتید دانشکده‌های مدیریت، هنر و فنی و مهندسی دانشگاه گیلان نتایج زیر را نشان می دهد:

- در پاسخ به سوال اول که آیا به نظر شما محتوای دروس دانشگاه توانایی اداره یک کسب و کار مستمر و پیوسته را در دانشجویان دانشگاه شما ایجاد کرده است؟ نتیجه می‌گیریم که محتوای دروس بر ایجاد توانمندی برای ایجاد کسب و کار مستمر در دانشجویان تاثیرگذار است. ولی در ترم‌های اول تحصیلی دانشجویان تاثیر چندانی بر بارور شدن کارآفرینی ندارند اما در سال‌های بعدی و در مقطع ارشد و دکترا می توان این تاثیرات را مشاهده کرد. که این تاثیرات نیز باز به قوه درک و دریافت و انگیزه‌های درونی خود دانشجویان بسته است.

- در پاسخ به سوال دوم که آیا به نظر شما محتوای دروس دانشگاه توانایی اداره یک کسب و کار رقابتی را در دانشجویان دانشگاه شما ایجاد کرده است؟ باید گفت که محتوای دروس نمی تواند بر بارور شدن ویژگی‌های کارآفرینی در دانشجویان موثر باشد. اگرچه توسط بعضی دروس انگیزه‌های رقابت به دانشجویان آموزش داده می‌شود اما این آموزش‌ها باید افزایش یابد و برای ایجاد توانمندی‌های ایجاد کسب و کار رقابتی کافی نیست.

این مطالعه به منظور بررسی عوامل موثر بر شکل گیری کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه گیلان سامان یافته و در دو فاز جداگانه به جمع‌آوری نظرات اساتید و دانشجویان این دانشگاه پرداخته است. نتایج حاصل از اجرای دو پرسشنامه در میان دانشجویان نشان می‌دهد که شاخص‌های محتوای درسی و فضای دانشگاهی بر کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه گیلان موثر هستند. اما شاخص فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی بر کارآفرینی در دانشجویان این دانشگاه تاثیری ندارد. بر اساس تحقیق بدری (۱۳۸۴) آموزش‌های دانشگاهی یا همان فعالیت‌های آموزشی در پرورش ویژگی‌های کارآفرینی در دانشجویان موثر نیست که با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر مبنی بر اینکه فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی بر کارآفرینی دانشجویان تاثیری نداشته است، می‌توان همسو بودن دو مطالعه را تایید نمود. عزیزی (۱۳۸۲) در پژوهش خود تحت عنوان بررسی و مقایسه زمینه‌های بروز و پرورش کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی نتیجه گرفت که بین برنامه‌های تحصیلی و آموزشی ارائه شده از سوی دانشگاه شهید بهشتی و میزان کارآفرینی دانشجویان، از نظر آنان رابطه معنادار وجود ندارد. که باتوجه به یافته‌های تحقیق حاضر مبنی بر اینکه محتوای دروس یا همان برنامه تحصیلی بر شکل گیری کارآفرینی در دانشجویان موثر است می‌توان نتیجه گرفت که تحقیق ایشان در راستای تحقیق حاضر نمی باشد.

همچنین براساس نتایج تحقیق احمدزاده (۱۳۸۴) عناصر برنامه‌ریزی درسی از قبیل اهداف، محتوا، روش‌های ارزشیابی، منابع و ابزار یادگیری برنامه درسی و نیز دروس تخصصی رشته علوم تربیتی به پرورش مهارت‌های کارآفرینی (فنی، شخصی و مدیریتی) توجه ندارد که این موضوع با نتایج به دست آمده از این پژوهش که محتوای دروس بر شکل گیری کارآفرینی موثر است مغایرت دارد. از سویی

اساتید اتفاق نظر داشتند که با تشکیل چنین سمینارها و مسابقاتی دانشجویان در محیط‌های خلاقانه قرار می‌گیرند و زمینه‌های تفکر و خلاقیت در آنها شکوفا میشود. البته بازهم بستگی به نوع نگرش و رغبت دانشجویان هم دارد.

- در پاسخ به سوال نهم که اصلی‌ترین هدف محقق از نگارش این پژوهش پاسخگویی به اینکه به نظر شما چه عواملی در دانشگاه، کارآفرینی دانشجویان را افزایش داده است؟ بعضی از اساتید اظهار داشتند که کارآفرینی در این دانشگاه اصلاً افزایش نیافته است. این اساتید معتقد بودند که به نسبت سال‌های گذشته دانشجویان در هنگام فارغ التحصیلی توانایی‌ها و مهارت‌های لازم برای کارآفرین بودن را کسب نکرده‌اند و عواملی مانند افزایش رفاه مالی و در اختیار داشتن امکانات بیشتر و نوع نگرش خانواده‌های دانشجویان به زندگی و حمایت‌های مالی خانواده‌ها از دانشجویانشان را باعث کم‌رنگ شدن کارآفرینی در فارغ التحصیلان بیان کردند. عده‌ای نیز یکسری عواملی که باعث افزایش کارآفرینی شده بود را به شرح زیر بیان کرده‌اند:

۱. کارهای گروهی و مشارکتی
۲. بحث‌های گروهی و مشارکتی
۳. برگزاری سمینارهای علمی و کارآفرینی
۴. افزایش برگزاری نمایشگاه‌های علمی و کارآفرینی و عرضه کارهای علمی دانشجویان
۵. افزایش برگزاری همایش‌های مربوط به کارآفرینی
۶. مقالات و ژورنال‌های جدید علمی
۷. برگزاری دوره‌های کارآفرینی در کلاس‌ها
۸. اساتید کارآفرین
۹. آشنایی با افراد کارآفرین
۱۰. در اختیار قرار دادن زندگی‌نامه‌های کارآفرینان و راه‌های موفقیت آنها
۱۱. شکل‌گیری نگرش‌های خانواده‌ها در مقوله کارآفرینی
۱۲. دیدگاه‌های مثبت دوستان و همکاران در مورد کارآفرینی
۱۳. پخش فیلم‌های مربوط به کارآفرینی
۱۴. جزوات مربوط به کارآفرینی

پیشنهادها

باتوجه به نتایج پژوهش به منظور افزایش کارآفرینی در دانشجویان پیشنهاد می‌گردد تا نکات زیر مورد توجه قرار گیرد:

- افزایش دروسی که به موازات کارهای دانشگاهی دانشجویان را وارد بازار کار می‌کنند.
- محور قرار ندادن مدرک تحصیلی
- تشویق دانشجویان به بیشتر دنبال تفکر بودن
- افزایش کارگروهی
- افزایش بحث‌های گروهی
- متعهد شدن دانشجو از نظر فکری برای انجام دادن پروژه‌های پرمخاطره
- بالابردن جرات و اعتمادبنفس دانشجویان برای انجام پروژه‌های پرمخاطره
- افزایش سمینارهای علمی و کارآفرینی
- افزایش نمایشگاه‌های علمی و کارآفرینی

- در پاسخ به سوال سوم که کدام درس در دانشگاه به روش بحث گروهی (بدون استفاده از روش سخنرانی) تدریس میشوند؟ می‌توان گفت که دروسی وجود دارند مانند درس عملی و کارگاهی و آتلیه‌ای (در رشته معماری). اما استقبال از این موضوع بستگی به نحوه‌ی تدریس اساتید و خود دانشجویان برای پذیرا بودن دارد.

- در پاسخ به سوال چهارم که به نظر شما در دانشگاه چطور بحث‌های انتقادی از درس در بین دانشجویان انجام می‌شود؟ می‌توان گفت دروسی مانند سمینار، جلسات بحث آزاد که به بحث پیرامون مسائل مختلف می‌پردازد، سیستم‌های پرسش و پاسخ، سیستم‌های مجازی (اینترنت) به بحث و انتقاد درس می‌پردازند. اما اکثراً غریب به اتفاق معتقدند که باز به نحوه‌ی تدریس اساتید و استقبال دانشجویان دارد.

- در پاسخ به سوال پنجم که دانشگاه شما چطور از تکنیک‌ها یا پروژه‌های همراه با مخاطره و دارای ریسک دانشجویان استقبال می‌کند؟ می‌توان گفت که کلاً دانشگاه و سیستم آموزشی استقبال چندانی از این موضوع نمی‌کنند. اساتید نیز بسته به تجربه کاریشان در موضوعات مختلف مسئولیت این پروژه‌ها را برعهده می‌گیرند. اما مهم‌ترین عامل اینست که دانشجویان چون زیاد اهل تفکر نیستند و فقط به فکر گذراندن دروسشان و دریافت مدرک هستند از چنین پروژه‌هایی استقبال نمی‌کنند.

- در پاسخ به سوال ششم که در دانشگاه شما چطور مطالعات مربوط به شناسایی فرصت‌های شغلی برای دانش‌آموختگان صورت می‌گیرد؟ می‌توان گفت که این دانشگاه، بیشتر شناسایی فرصت‌های شغلی توسط اساتید در حین تدریس به دانشجویان انجام می‌شود. همچنین دوره‌های معارفه سال اول تحصیل و دوره‌های کارآموزی و پایان‌نامه در سال آخر نیز این فرصت‌ها را به وجود می‌آورند. در کنار اینها مرکز کارآفرینی دانشگاه نیز سعی بر ایجاد و شناسایی فرصت‌های شغلی دارد. اما بازهم همه اینها بستگی به توانایی‌های دانشجویان در شناسایی دارد.

- در پاسخ به سوال هفتم که در دانشگاه شما طبقه اداره کتابخانه و تجهیز آن از نظر نرم افزاری، سخت افزاری، خدمات اینترنتی و اطلاع رسانی بروز چگونه است؟ می‌توان گفت اکثر اساتید از محدودیت فضای کتابخانه ناراضی هستند و همچنین به نظرشان تعداد کتاب‌های موجود برای دانشجویان کافی نیست. اما به نظرشان امکانات آموزشی از قبیل نرم افزارهای موجود در سیستم‌ها، دسترسی به اینترنت و ژورنال‌ها و مقالات علمی در حد مطلوبی است.

- در پاسخ به سوال هشتم که آیا در دانشگاه شما مسابقات اختراعاتی و سمینارهای علمی تشکیل می‌شود؟ به نظر شما این سمینارها و مسابقات چه تاثیری بر بارور شدن ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان دارد؟ می‌توان گفت در این دانشگاه، سمینارهای علمی همه ساله در هفته پژوهش انجام می‌شود. اما مسابقات چندانی صورت نمی‌گیرد.

- افزایش مسابقات اختراعاتی و کارآفرینی
- افزایش همایش‌های مربوط به کارآفرینی
- بیشتر شدن تعامل دانشگاه با صنعت و نهادهای دولتی و خصوصی دیگر
- افزایش امکانات تحصیلی
- ایجاد سیاست‌های کلان جدید در جهت بهبود کارآفرینی
- همسو کردن محتوای دروس با نیازهای اجتماعی، اقتصادی جامعه
- بالا بردن سطح آشنایی دانشجویان نسبت به محتوای دروس
- بروز کردن سرفصل‌های دروس
- تحول خواه کردن محتوای دروس
- ایجاد روش‌های تحقیق جدید
- افزایش کتاب‌های الکترونیکی
- افزایش مقالات و ژورنال‌های جدید علمی
- بالا بردن سواد کامپیوتری دانشجویان
- ایجاد ارتباط فارغ التحصیلان پس از فارغ التحصیلی با دانشگاه تا مطمئن شوند آینده شغلی خوبی در انتظارشان است.
- آموزش دوره‌های کارآفرینی در کلاس‌ها
- افزایش ارتباط فارغ التحصیلان با دانشگاه
- افزایش اساتید کارآفرین
- آشنایی بیشتر با افراد کارآفرین
- پخش فیلم‌های مربوط به کارآفرینی
- در اختیار قرار دادن زندگی‌نامه‌های کارآفرینان و راه‌های موفقیت آنها.
- پیشنهاد می‌شود که اقداماتی به منظور اصلاح و بازنگری در برنامه‌های آموزشی برای ارتقای سطح قابلیت‌های کارآفرینی در نظام آموزشی دانشگاه‌ها (رشته‌های نظری) صورت پذیرد.
- ایجاد انکوباتورها (مراکز رشد) و آموزش قابلیت‌های کارآفرینی در برنامه درسی می‌تواند گامی در جهت بهبود این شاخص‌ها در دانشجویان باشد.
- راهنمایی عملی، بسترسازی، حمایت‌های مشاوره‌ای و مالی لازم از طرح‌های کارآفرینانه دانشجویان نیز می‌تواند در این زمینه راه‌گشا باشد.
- ایجاد واحدهای درسی به صورت عملی و نظری به صورت توأم در زمینه پرورش روحیه کارآفرینی در بین دانشجویان می‌تواند مفید باشد.
- پیشنهاد می‌شود که وزارت علوم به منظور ترویج روحیه کارآفرینی و توسعه آن در بین دانشجویان، اقدام به تشکیل انجمن دانش‌آموختگان کارآفرین نماید تا از طریق ارتباط آنها بعد از فراغت از تحصیل نیز با دانشگاه قطع نشود.
- آفت اصلی توسعه تحقیقات کارآفرینی بوروکراسی است. توصیه می‌شود مجموعه تلاش‌ها و اقدامات از بروکراسی مبرا شود.
- تربیت کادر تحقیقاتی از اولویت برخوردار است. لذا بایستی از اعضای هیئت علمی برای تربیت افراد کارآفرین استفاده شود
- فضای تحقیقات کارآفرینانه و مبتنی بر پذیرش افکار نو و خلاقیت‌های انسانی پایه‌گذاری شود.
- کارآفرینان موفق دانشگاهی شناسایی و معرفی شوند.
- حمایت‌های مالی، مشاوره‌ای و اطلاعاتی از طرح‌های کارآفرینانه دانشجویان به عمل آید.
- از دروس آموزش کارآفرینی در دروس گنجانده شود.
- جو بحث‌های گروهی برای دانشجویان را فراهم آورند تا آنان بتوانند به وضوح نظراتشان را بیان کنند.
- برگزاری سمینارهای تخصصی در زمینه کارآفرینی در سطح دانشگاه‌ها برای دانشجویان

منابع

۱. مشایخی، کریم؛ تاج آبادی، رضا؛ مرادی نژاد، امیر؛ (۱۳۸۷) میزان انگیزه و خلاقیت در کارآفرینی دانشجویان علمی - کاربردی و نقش اساتید در ایجاد انگیزه کارآفرینی در دانشجویان، همایش ملی توسعه کارآفرینی در آموزش‌های علمی کاربردی کشاورزی
۲. شائمی برزکی، علی؛ تیموری، هادی؛ (۱۳۸۵) رابطه کارآفرینی و نوآوری در سطح خرد و کلان، مجموعه مقالات نخستین کنفرانس ملی مدیریت تحول، اصفهان، دانشگاه اصفهان
۳. معصوم زاده، محسن، انصاری، محمدتقی (۱۳۸۸) عوامل موثر در شکل‌گیری دانشگاه کارآفرین، فصلنامه رهیافت، شماره ۴۴
۴. حیدری، احمد. (۱۳۸۳) کارآفرینی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، دوره هجدهم، شماره ۱۱ و ۱۲.
۵. پورآتشی، مهتاب (۱۳۸۷) نهادینه کردن آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی، ص ۶۳-۴۹
۶. احمدپورداریانی، محمود (۱۳۸۳) کارآفرینی: تعاریف، نظریات، الگوها، انتشارات پردیس، چاپ پنجم، ص ۲۱
۷. حسینی خواه، علی، سلیمی، جمال (۱۳۸۵). آیا می‌توان کارآفرینی را آموزش داد؟ نخستین همایش ملی مدیریت کارآفرینی، ۲۵-۲۶ بهمن ماه، دانشگاه تهران.
۸. سلیمی، جمال، عبدی، علی (۱۳۸۷)، کارآفرینی (اصول و مبانی، روش‌های آموزش و نقش دانشگاه در آموزش آن)، ماهنامه کار و جامعه، شماره ۱۰۱
۹. مقیمی، فضل‌الله و همکاران (۱۳۸۳) گزارش نهایی طرح ارزیابی عملکرد دانشگاه‌های مجری طرح کاراد. تهران: سازمان سنجش آموزش کشور.
۱۰. مقیمی، سیدمحمد، احمدپورداریانی، محمود، آموزش کارآفرینی در کسب و کارهای کوچک و متوسط ایران: نیازها و راهکارها، توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۸۷، از ص ۲۰۷-۲۴۵
۱۱. بهیان، مینا (۱۳۸۶). توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها، مجموعه مقالات دومین همایش اشتغال نظام آموزش عالی تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تربیت مدرس، ص ۳۹۸

1. Anonymous) 2005(What is entrepreneur? Available at: http://www.wiseGREEK.com/what_is_an_entrepreneur.htm
2. Magnus Klofsten Dylan Jones-Evans(2000). Comparing Academic Entrepreneurship in Europe – The Case of Sweden and Ireland. *small business economics* 14:299-309.
3. Davies,D. (1998). The Virtual University: A Learning University. *Journal Of Workplace Learning*,Volume 10,Number 4,PP 175-213.
4. Verheul, I. , Wennekers, A. R. M. , Audretsch, D. B. , Thurik, A. R. , 2002. An eclectic theory of entrepreneurship. In: Audretsch, D. B. , Thurik, A. R. , Verheul, I. ,Wennekers, A. R. M. (Eds.), *Entrepreneurship: Determinants and Policy in a European-US Comparison*. Kluwer Academic Publishers, Boston/Dordrecht,pp. 11–81.
5. Harbi, Sana El ,Alistair R. Anderson, Institutions and the shaping of different forms of entrepreneurship, *The Journal of Socio-Economics* 39 (2010) 436–444
6. Henry, C. , Frances, H. , & Claire, L. (2003). *Entrepreneurship education and training*. London: Ashgate
7. Rae, D. (2004), “Practical theories from entrepreneurs’ stories: discursive approaches to entrepreneurial learning”, *Journal of Small Business and Enterprise Development*, Vol. 11 No. 2, pp. 195-202.
8. Rae, D. (2003), “Opportunity centered learning: an innovation in enterprise education?” *Education Training*,Vol. 45 No. 8/9, pp. 542-9.
9. Harding, R. (2005), *Global Entrepreneurship Monitor, UK National Report for 2004*, London Business School, London. 47, 8/9.
10. Leo I. Higdon, Jr. (2005). Liberal education and the entrepreneurial mindset a twenty-first century approach. *Liberal education*, Winter
11. Terpstra,D. and P. Olsen(1993). ”Entrepreneurial Start-up and growth: A Classification of problems”. Prentice Hall,Inc.
12. Ginsberg,A. and M. Hay(1994). ”Confronting the Challenges of Corporate Entrepreneurship: Guidelines for Venture Managers”. *European Management Journal*,Vol. 12,No. 3.
13. Mcpherson ,G, social Innovation through entrepreneurial activity. *canadian enter for social entrepreneurship ,ccse report*,2003.
14. Kuratko, Donald F. , (2003) “Entrepreneurship Education: Emerging trends and challenges for the 21’th century”, *Coleman Foundation White Paper Series*.
15. Brock, W. A. and Evans, D. S. (1989). *Small Business Economics*. *Small business economics*, 1, 7-20.
16. Solomon, G. T. , Duffy, S. and Tarabishy, A. (2002). The State of Entrepreneurship Education in the United States: a Nationwide Survey and Analysis. *International Journal of Entrepreneurship Education* 1(1), 1-22.
17. Carree, M. A. & Thurik, A. R. 2003. The impact of entrepreneurship on economic growth. In D. B. Audretsch & Z. J. Acs (Eds.), *Handbook of Entrepreneurship Research*: 437-471. Boston/ Dordrecht: Kluwer Academic Publishers.
18. Hitt, M. A. & Reed, T. S. (2000). *Entrepreneurship in the new competitive landscape*. In: *Entrepreneurship as Strategy*. (eds)Meyer, G.D. & Heppard, K.A. Thousand Oaks: SagePublications.
19. Alberti, Fernando, Sciascia, Salvatore, Poli, *Entrepreneurship Education: Notes on an Ongoing Debate*, 14th Annual IntEnt Conference IntEnt2004 University of Napoli Federico II (Italy), 4-7 July 2004.
20. Westhead, P. , Ucbasaran, D. & Wright, M. (2005). Experience and cognition: do novice, serial and portfolio entrepreneurs differ? *International small business journal*, 23(1), pp 72-98.
21. Reynold, P. D. , Camp, S. M. , Bygrave, W. D. , Autio, E. & Hay, M. (2001). *Global entrepreneurship monitor* (Kauffman center for Entrepreneurial Leadership).
22. Raposo, Mário & Arminda do Paço, Special issue: entrepreneurship and education—links between education and entrepreneurial activity, *Int Entrep Manag J* (2011) 7:143–144
23. Postigo,S. (2002);*Entrepreneurship education in Argentina:The case of San anders University in Proceeding of the conference Entitled the “Internationalizing Entrepreneurship education training ,Malaysia,July. pp10-8.*
24. Rashed, H. S. (2000). Developing entrepreneurial potential in youth: The effect of entrepreneurial education and venture creation. Available at: www.proquest.umi.com.
25. Obisanya,J. f,Akinbami,C,A. O. ,Fayomi,A. O. (2010). Entrepreneurship education and undergraduates,attitude to self employment. a case study of a Nigerian university *Ife psychologia*. Vol. 1,No2.